

بسم الله الرحمن الرحيم

◇ یادداشت سردبیر

در عرصه مدیریت دانش دو مفهوم آشنا در دو بستر متفاوت به کار می‌رود که یکی به عالم نشر مربوط است و دیگری به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی. این دو مفهوم را عموماً با دو اصطلاح نشر الکترونیکی و کتابخانه دیجیتال می‌شناسند، که گرچه ممکن است ظاهراً دارای اهداف متفاوت باشند، در مرحله عملکرد به نقطه تلاقی ویژه‌ای می‌رسند که ایجاب می‌کند یک سلسله سیاست‌ها و برنامه‌های مشترک در مورد آنها اعمال شود.

نشر الکترونیکی، از یک سو، با استفاده از فن‌آوری نوین به انتشار منابع، نه بر روی کاغذ که به صورت رقومی بر بسترهایی متفاوت، می‌پردازد و طبعاً ذخیره‌سازی‌ها، پردازش‌ها، و بازیابی‌های خاص خود را می‌طلبد. داشتن تجهیزات مرتبط با آن سبب می‌شود که بتوان منابع عظیم نشر سنتی را در فضایی بسیار اندک و با کاربری‌هایی به مراتب آسان‌تر و سریع‌تر ذخیره، نگهداری، و بازیابی کرد. رشد نشر الکترونیکی، به‌ویژه در حوزه تولید منابع علمی و تخصصی، بسیار چشمگیر است و پدیده‌ای است که امروزه باید آن را جدی گرفت و با آن سازگار شد. نشر الکترونیکی مزایایی دارد که در نشر سنتی منطقاً تحقق آنها میسر نبوده و نیست؛ از جمله اینکه، به دلیل حذف برخی مراحل حفاصل تولید تا بهره‌برداری، سرعت و میزان روزآمدی اطلاعات افزایش یافته است؛ بعد مسافت، به‌ویژه در شبکه‌های جهانی، دیگر مانعی جدی نیست و می‌توان آثار تولید شده در دورترین نقاط را - در صورت حضور در شبکه‌ها - شناسایی کرد؛ برای یافتن مطلبی ویژه در فصلی، صفحه‌ای، یا سطری از نوشته الکترونیکی، نیازی به تورق صفحات نیست و بی‌زحمتی چندان می‌توان به اطلاعات مورد نظر دست یافت؛ و اگر کاربری مایل باشد می‌تواند نسخه‌ای چاپی برای خود نگه دارد یا حتی بر روی صفحات فشرده که پیوسته بر گنجایش آنها نیز افزوده می‌شود ضبط کند.

کتابخانه دیجیتال، از سوی دیگر، در پی آن است که در فضایی اندک، کاربری بیشتر و مطلوب‌تری از مواد کتابخانه‌ای پدید آورد و کار دستیابی به منابع را نیز سریع‌تر و آسان‌تر سازد. تفاوت عمده‌ای که در کتابخانه دیجیتال باید به آن توجه داشت، تمهیدات بازیابی یکپارچه از

منابع و افزایش جامعیت و مانعیت و جلوگیری از عوامل افزایش دهنده ریزش کاذب است که پیوسته، از آغاز شکل‌گیری رشته کتابداری و بعدها اطلاع‌رسانی، ذهن متخصصان این رشته را به خود معطوف داشته و در این مسیر تأملات و تحقیقات بسیاری صورت گرفته است.

در حال حاضر، کتابخانه‌های معدودی منابع خود را رقومی کرده‌اند یا در شرف انجام چنین کاری هستند، اما بیشتر آنها استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی و اینترنت را از مدت‌ها پیش آغاز کرده‌اند. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که بخشی از منابع مورد استفاده کاربران کتابخانه‌ها دیجیتالی است. این بخش شامل همان موادی است که به صورت الکترونیکی وارد عرصه کتابخانه‌ها شده و عمل رقومی کردن مواد، پیش از ورود به کتابخانه صورت گرفته است. اما نکته اساسی مربوط به موادی است که قبلاً به شکل چاپ کاغذی تولید شده و به همان صورت نیز به کتابخانه‌ها راه یافته‌اند و امروزه کتابخانه‌ها در صدد رقومی کردن آنها هستند؛ و طبیعی است که مزایای مترتب بر کتابخانه دیجیتالی، در قیاس با کتابخانه‌های سنتی، مسئولان کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی را برانگیزد که به سمت تحقق چنین امری حرکت کنند. آرمان کتابداران و اطلاع‌رسانان آن است که با اتخاذ چنین تدبیری به چند مهم دست یابند که صرفه‌جویی در فضا، سهولت نگهداری، سرعت و دقت در ارائه خدمات، سهولت دستیابی به اطلاعات مرتبط، و ژرف‌گرایی در بازیابی اطلاعات تخصصی از جمله آنهاست.

از آنجایی که رقومی کردن مواد چاپی کتابخانه‌ها برای نیل به کتابخانه دیجیتالی فرآیندی بسیار هزینه‌بر و وقت‌گیر است، راهی جز سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درست به منظور تعیین اولویت‌ها، اتخاذ راهکارهای دقیق اجرایی، و پیش‌بینی امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز نیست. یکی از راه‌های پرهیز از شتابزدگی آن است که این کار تبدیل به امری تدریجی شود و دو جریان موازی همپای یکدیگر پیش برود؛ یکی آنکه در فرایند جاری فراهم‌آوری، سهمی قابل اعتنا به خرید مواد الکترونیکی تخصیص یابد تا به تدریج و در دراز مدت، مجموعه به سوی این گونه مواد گرایش یابد؛ و دیگر آنکه رقومی کردن مواد چاپی توسط گروهی ویژه از رأس هرم اولویت‌بندی به سمت قاعده آن پیش برود. چون، سرانجام، هر دو حرکت به نقطه واحدی می‌رسد و می‌بایست مجموعه یکپارچه‌ای را پدید آورد، همگونی و سازگاری آن دو با یکدیگر از لحاظ ساختار و چگونگی بازیابی نقشی بسیار اساسی دارد و این همان نکته ظریفی است که سبب می‌شود ربط میان نشر الکترونیکی و کتابخانه دیجیتالی و نقطه تلاقی آنها را جدی‌تر تلقی کنیم.

تلاقی میان نشر و سامان‌دهی اطلاعات در کتابخانه‌ها در نظام سنتی نیز از دیرباز مطرح بوده

است، که بارزترین آنها را می‌توان در عناوین آثار علمی مشاهده کرد. زمانی که نمایه‌سازی‌های مبتنی بر عنوان مقاله‌ها (نظیر کویک و کوواک) در کتابخانه‌ها، مراکز سندپردازی؛ و سپس اطلاع‌رسانی با استفاده از رایانه در غرب رونق گرفت، ساختار و واژه‌بندی عنوان‌ها به مثابه معضلی عمده خودنمایی کرد. در عالم نشر، عنوان از این منظر شکل نمی‌گرفت که نمایه‌سازی یا فهرست‌نویس آن را برای هدف دیگری به کار گیرد، اما در عمل این واقعه روی داد. حرکتی تدریجی در دهه‌های شصت میلادی و پس از آن، در نشر آثار علمی پدید آمد و به منظور سهولت ذخیره‌سازی آنها در واحدهای سندپردازی و اطلاع‌رسانی، عالم نشر ناگزیر شد در انتخاب ساختار و اصطلاحات عنوان‌ها تجدید نظر کند تا جامعیت و مانعیت اطلاعاتی عناوین در انعکاس درست محتوای آثار رعایت شود. گرچه این هماهنگ‌سازی برخاسته از قول و قرار و مقاله‌نامه‌ای رسمی نبود، لیکن تجربه‌های گوناگون در طول زمان سبب شد که این دو جریان به یکدیگر نزدیک شوند.

در مورد تلاقی نشر الکترونیکی و کتابخانه دیجیتال، مسئله به مراتب جدی‌تر و ظریف‌تر است. سنخیت‌های نرم‌افزاری دو سوی این نقطه تلاقی، سیاست‌های باز تولیدی کتابخانه‌ها، دستورالعمل‌های نگارشی هر دو طرف، توافق در مورد تعریف ساختارها از قبیل مرزکلمات، یا اساساً تن دادن یا ندادن به مفهوم "کلمه"، و توجه به ده‌ها "نکته باریک‌تر زمو" به دلیل همین تلاقی ضرورت می‌یابد؛ و این همه جز با همیاری متخصصان این دو حوزه و برخی حوزه‌های دیگر به سرانجام نمی‌رسد. هر یک از دو طرف باید از تجربه‌ها و یافته‌های دیگری بهره‌مند گردد و، بدون آنکه اهداف حرفه‌ای دو طرف کمرنگ شود، در جهت ارتقاء و گسترش بهره‌وری تولیدات خود بکوشند.

عباس خَزی